

صلاحتها



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

گروه علوم سیاسی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی

عنوان:

زمینه های پیدایی مجمع تشخیص مصلحت نظام

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر احمد خالقی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر داود فیروزی

دانشجو:

مهدی بهمنی

شهریور ۱۳۹۰

تقدیم به:

«حضرت امام خمینی (ره) که مهم‌ترین درسش، عزت و اخلاص بود»

تقدیر و سپاس

سپاس و ستایش خدای را که انسانهایی مملو از اندیشه را در گذران کودکی تا اکنون هایم قرار داد؛ انسانهایی که خود آموزگاری بودند در مسیر پر پیچ و خم خواستن ها و دانستن ها. به پاس تمام گامهایشان، بوسه افتخار می زنم بر دستانشان تا خضوعی باشد ناچیز برای آنچه مرا آموختند؛ استادان عزیزی که بودن نامشان زینت بخش گفته هایم هستند؛ جناب آقایان دکتر خالقی، راهنمای پایان نامه، جناب دکتر فیرحی، مشاور پایان نامه و جناب دکتر مصلی نژاد داور پایان نامه. همچنین از استاد گرانقدر همه مراحل تحصیلم، جناب دکتر سریع القلم، که همواره با گشاده رویی خویش مرا پذیرا بوده و در غنا بخشیدن به پایان نامه از هیچگونه تلاش و کوششی دریغ ننمودند، تشکر مینمایم و همواره به شاگردی ایشان افتخار می کنم. در پایان از پدر و مادر عزیزم، آنها که وجودم برایشان همه رنج بود و وجودشان برایم همه گنج و خواهران و برادر عزیزم که دعای خیرشان بدرقه راهم بود و بی یاری آنان پیمودن این راه ممکن نبود، کمال تشکر و قدردانی می نمایم.

چکیده

جمهوری اسلامی به عنوان نظامی که تلاش می کند میان شریعت و قانون تلفیق ایجاد نماید، در مراحل اولیه شکل گیری خود و به خصوص در مسائل انضمامی جامعه دچار نوعی بحران تصمیم گیری گردید. برجسته ترین نمود این بحران خود را در اختلافات میان دو نهاد مجلس و شورای نگهبان نشان می داد. چاره اندیشی های حضرت امام خمینی(ره) در حل این مشکلات با وجود تأکید بر مقتضیات زمانی و مکانی توسط روحانیون نیز نتوانست گرهی از کار باز کند. فشار روزافزون مسائل جدید پیش روی نظام نوبنیاد جمهوری اسلامی و ضرورت کارآمدی حکومت دینی در ایران موجب گردید تا نهادی جدید تأسیس شود که برگرفته از اندیشه های حضرت امام(ره) و در بستر تعالم دینی بود. در پاسخ به حل مشکلات و ارائه راه حل جهت خروج از بحران ها، میان جریان های مختلف سیاسی اصطکاک و درگیری وجود داشت و در این میان هریک برداشت های خاصی از فقه در پاسخ به مسائل مبتلا به جامعه صورت می دادند. این درگیری ها و مناقشات منجر به بن بست سیاسی گردید و اداره جامعه با مشکل روبرو گردید. با بروز این مشکلات، برای حل و رفع معضلات و بن بست شکنی در تصمیمات، حضرت امام(ره) با طرح بحث مصلحت و حکم حکومتی از نظریه ولایت فقیه به سمت نظریه ولایت مطلقه فقیه سوق پیدا کردند. در واقع بارزترین نمود نظریه ولایت مطلقه فقیه، تولد نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام است. . مجمع تشخیص مصلحت نظام دارای دو وجه شرعی و نهادی است و اوج تلفیق شرع و نهاد است. خاصیت مجمع این بود که حق وتوی شورای نگهبان را ضعیف می کرد و باعث بن بست گشایی و کارآمد ساختن حکومت می گردید. آنچه که در تولد نظریه ولایت مطلقه فقیه قابل طرح است آن است که این ابتکار امام بسیار نزدیک به عرصه واقعیات و حکومت اسلامی در عمل بوده است.

امام راحل مجموعه ای از مبانی فقهی را مطرح کردند که از نظر روش شناسانه بدیع به نظر می رسید و حضرت امام اولین فقیهی هستند که جرقه تغییر جهت گیری فقه سیاسی را از «فرد» به «نهاد» زدند. مجمع تشخیص مصلحت نظام ساز و کاری بود برای برقراری ارتباط میان سپهر آرمان و سپهر امکان.

فصل اول: کلیات پژوهش

- ۱-۱) مقدمه ۲
- ۲-۱) طرح مسأله ۲
- ۳-۱) اهمیت و ضرورت موضوع ۳
- ۴-۱) سئوالات اصلی و فرعی و فرضیه پژوهش ۴
- ۱-۴-۱) سوال اصلی ۴
- ۲-۴-۱) سوال فرعی ۴
- ۳-۴-۱) فرضیه ۴
- ۵-۱) متغیرهای پژوهش ۴
- ۱-۵-۱) متغیر مستقل (X) ۴
- ۲-۵-۱) متغیر وابسته (Y) ۴
- ۶-۱) تعاریف اصطلاحات پژوهش ۴
- ۷-۱) پیشینه تحقیق ۵
- ۸-۱) روش تحقیق ۶

فصل دوم: روش شناسی

- ۱-۲) رهیافت نهادی در علوم سیاسی ۸
- ۱-۲) رهیافت نهادی در علوم سیاسی ۹
- ۲-۲) ویژگیهای معرف نهادگرایی قدیم ۱۰
- ۱-۲-۲) قانونگرایی ۱۰
- ۲-۲-۲) ساختارگرایی ۱۰
- ۳-۲-۲) کل گرایی ۱۱
- ۴-۲-۲) تاریخ گرایی ۱۱
- ۵-۲-۲) تحلیل هنجاری ۱۲
- ۳-۲) انقلابهای عقلانی و رفتاری ۱۳
- ۱-۳-۲) نظریه و روش شناسی ۱۳
- ۲-۳-۲) تمایل ضد هنجاری ۱۴

۱۴	۲-۳-۳) فردگرایی روش شناسانه
۱۴	۲-۳-۴) دروندادگرایی
۱۵	۲-۴) گذار به نهادگرایی جدید
۱۵	۲-۴-۱) نهادگرایی جدید
۱۸	۲-۵) نظریه‌های نهادی
۲۰	۲-۶) تعریف نهاد و مشخصه‌های آن
۲۴	۲-۶-۱) محیط نهادی - ترتیبات نهادی
۲۵	۲-۶-۲) نهادهای رسمی و غیر رسمی
۲۵	۲-۷) دولت و سازمان در نهادگرایی جدید دولت
۲۶	۲-۷-۱) سازمان
۲۸	۲-۸) روش

فصل سوم: منازعات و تنشهای سیاسی

۳۱	۳-۱) انتخاب نخست وزیری اول موسوی و آغاز اختلافات
۳۳	۳-۲) سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و مساله انشعاب
۳۴	۳-۳) حزب جمهوری اسلامی و مساله انشعاب
۴۱	۳-۳-۱) علل و عوامل توقف فعالیتها و انحلال حزب جمهوری اسلامی
۴۲	۳-۳-۲) تجزیه و تحلیل برخورد امام با مساله
۴۸	۳-۴) مساله دولت مهندس موسوی و منازعات سیاسی
۴۸	۳-۴-۱) شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران
۵۶	۳-۵) جریان انتخابات چهارمین دوره ریاست جمهوری
۵۷	۳-۵-۱) پاسخ مهندس موسوی به منتقدین دولت
۵۸	۳-۵-۲) نتیجه ی انتخابات
۵۸	۳-۶) شرح مساله روند تعیین نخست وزیر
۶۰	۳-۶-۱) مرحله اول: از انتخابات ریاست جمهوری تا اظهار نظر امام
۶۰	۳-۶-۲) مرحله دوم: از اظهار نظر امام تا تعیین نخست وزیر
۶۲	۳-۷) واکنشها و موضعگیریها نسبت به مساله تعیین نخست وزیری
۶۲	۳-۷-۱) انتشار نامه سرگشاده به نخست وزیر

- ۳-۷-۲) اعلام حمایت از مهندس موسوی در نماز جمعه تهران ۶۵
- ۳-۷-۳) سخنرانی آقای بادامچیان در مسجد بازار (بعد از هفته دولت) ۶۶
- ۳-۷-۴) ملاقات چهار روحانی سرشناس تهران و قم با امام - ۶۴/۶/۲۵ ۷۲
- ۳-۷-۵) نظرات نمایندگان موافق و مخالف نخست وزیر ۷۲
- ۳-۷-۵-۱) نظرات آقای موحدی ساوجی، نماینده ساوه ۷۲
- ۳-۷-۵-۲) نظرات آقای مرتضی رضوی، نماینده تبریز ۷۳
- ۳-۷-۵-۳) سخنان آقای رشیدیان، نماینده آبادان ۷۴
- ۳-۷-۵-۴) اظهارات آقای ولی الله زمانی، نماینده بابل ۷۴
- ۳-۷-۵-۵) قسمتی از سخنان فاضل هرندی، نماینده اصفهان ۷۵
- ۳-۷-۵-۶) سخنان ابراهیم اسرافیلیان، نماینده تهران ۷۵
- ۳-۷-۵-۷) اظهارات آقای حمیدزاده، نماینده بوئین زهرا ۷۶
- ۳-۷-۵-۸) قسمتی از بیانات آقای سید هادی خامنه ای، نماینده مشهد ۷۶
- ۳-۷-۵-۹) قسمتی از بیانات آقای کمال الدین نیک روش، نماینده تهران ۷۷
- ۳-۷-۵-۱۰) قسمتی از سخنان آقای مرتضی فهیم کرمانی، نماینده کرمان ۷۷
- ۳-۷-۶) نظرات رئیس جمهور در مورد دولت ۷۸
- ۳-۷-۷) نامه ی نمایندگان مجلس به امام ۸۰
- ۳-۷-۷-۱) پاسخ امام به نمایندگان مجلس ۸۱
- ۳-۷-۸) سخنان آقای ناطق نوری، وزیر کشور در صحن حرم حضرت رضا (ع) - ۶۴/۷/۶ ۸۲
- ۳-۸) اعلام قطعی شدن نخستوزیری موسوی در مجلس - ۶۴/۷/۱۱ ۸۳
- ۳-۹) چگونگی رای اعتماد مجلس به موسوی و بازتاب های آن ۸۳
- ۳-۱۰) مواضع و دیدگاههای امام نسبت به مساله ۸۵
- ۳-۱۰-۱) اعلام عدم دخالت در موضوع ۸۵
- ۳-۱۰-۲) اعلام حمایت از ابقای مهندس موسوی ۸۶
- ۳-۱۰-۳) دلجویی از مخالفان و پرهیز دادن آنها از کینه جویی ۸۷
- ۳-۱۱) زمینهای تاریخی انشعاب میان مجمع روحانیون و جامعه روحانیت ۸۸
- ۳-۱۱-۱) جامعه روحانیت مبارز تهران و مساله انشعاب ۸۸
- ۳-۱۲) عوامل اصلی موثر در بروز انشعاب در جامعه روحانیت ۹۳
- ۳-۱۲-۱) شکاف ایدئولوژیک (اعتقادی) ۹۲

- ۳-۱۲-۱) حدود اختیارات ولایت فقیه و قلمرو وظایف آن ۹۲
- ۳-۱۲-۲) دولت ۹۵
- ۳-۱۲-۲) شکاف اقتصادی ۹۸
- ۳-۱۲-۳) شکاف سیاسی ۱۰۲
- ۳-۱۲-۳) دوره اول مجلس شورای اسلامی ۱۰۲
- ۳-۱۲-۳) دوره دوم مجلس شورای اسلامی ۱۰۴
- ۳-۱۲-۳) دوره سوم مجلس شورای اسلامی ۱۰۵
- ۳-۱۲-۴) شکاف میان جامعه روحانیت و پیامدهای آن ۱۰۸

فصل چهارم: زمینه های صدور فتاوی حضرت امام (ره)

- ۴-۱) وحدت نیروهای خط امام در «دوران تثبیت» انقلاب ۱۱۷
- ۴-۲) نخستین رویارویی های فکری در نیروهای خط امام ۱۱۸
- ۴-۲-۱) حوزه اقتدار حکومت منشأ نخستین رویارویی های فکری ۱۱۸
- ۴-۲-۱) میزان مالکیت مردم بر معادن ۱۱۹
- ۴-۲-۱) چالش در خصوص قانون تحدید مالکیت و اصلاحات ارضی ۱۲۰
- ۴-۲-۱) چالش در خصوص تدوین قانون کار ۱۲۲
- ۴-۲-۱) چالش در تجارت خارجی، دولتی یا خصوصی ۱۲۶
- ۴-۲-۱) چالش در خصوص شرعی بودن مالیات ۱۲۷
- ۴-۲-۱) تعاونی ها و جایگاه آن در فقه ۱۳۰
- ۴-۳) پیامدهای چالشهای مذکور بر اندیشه سیاسی ۱۳۳
- ۴-۳-۱) نگاه به اسلام به عنوان یک نظام سیاسی و نگاه به فقه به عنوان ابزاری برای حکومت ۱۳۳
- ۴-۳-۲) برتری جایگاه حکومت و احکام حکومتی نسبت به بقیه احکام فقهی ۱۳۵
- ۴-۳-۳) احیای بحث مصلحت در تصمیم گیری های سیاسی ۱۳۸
- ۴-۳-۴) تأکید بر گسترده بودن محدوده اختیارات حکومت اسلامی و دوام دیرهنگام منازعات فکری ۱۴۱

فصل پنجم: تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام

- ۵-۱) تعریف مصلحت ۱۴۴
- ۵-۲) ضرورت مصلحت در حکومت اسلامی ۱۴۴

۳-۵	تعاریف احکام اولیه، ثانویه و حکومتی	۱۴۵
۴-۵	تفاوت احکام اولیه با احکام حکومتی	۱۴۵
۵-۵	شاخصه‌های مصلحت نظام اسلامی	۱۴۶
۶-۵	اختلاف نظر مجلس بر سر تشخیص موضوع و صدور حکم	۱۴۷
۷-۵	مشکلات روش شناختی ورود به اندیشه ی حضرت امام (ره)	۱۵۲
۸-۵	سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی	۱۵۴
۹-۵	پاسخ نظریه ولایت فقیه به مسأله چگونگی رابطه قانون و شریعت	۱۵۵
۱۰-۵	سیر تکامل فکری امام از نظریه ولایت فقیه به نظریه ولایت مطلقه فقیه	۱۵۶
۱۱-۵	چاره‌اندیشی‌های امام خمینی (ره) برای حل مشکلات حکومتی	۱۵۸
۱-۱۱-۵	مرحله اول	۱۵۹
۲-۱۱-۵	مرحله دوم	۱۵۹
۳-۱۱-۵	مرحله سوم	۱۶۰
۴-۱۱-۵	مرحله چهارم	۱۶۰
۱۲-۵	حکم حکومتی و حدود اختیارات ولی فقیه	۱۶۰
۱۳-۵	تفاوت نگرش امام و آیت الله گلپایگانی در خصوص حوزه اختیارات حکومت	۱۶۲
۱۴-۵	شکل‌گیری مجمع تشخیص مصلحت	۱۶۳
۱۵-۵	مجمع تشخیص مصلحت نظام و منازعات فقهی - سیاسی در شورای بازنگری	۱۶۸
۱-۱۵-۵	ضرورت مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۶۸
۱۶-۵	چالش‌های فقه مصلحت	۱۷۰
	نتیجه‌گیری	۱۷۲
	منابع	۱۷۷

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱) مقدمه

تا قبل از بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در هیچ یک از اصول این قانون ذکری از نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام نشده بود؛ چرا که تفکر غالب در زمان تنظیم قانون اساسی به گونه ای بود که تدوین کنندگان قانون اساسی باور داشتند هر چه مصلحت نظام و مردم باشد در احکام اسلام پیش بینی گردیده است. بنابراین آنان سیستم قانونگذاری را برای رفع مشکلات و حفظ نظام به همراه اعمال حاکمیت شورای نگهبان به منظور انطباق مصوبات مجلس شورای اسلامی با موازین شرع و قانون اساسی کافی می دانستند. اما علی رغم پیش بینی نهادهای قانون گذاری و تعیین کیفیت ارتباط آن ها بایکدیگر در برخی مواقع به دلیل عدم تأمین نظر شورای نگهبان از سوی مجلس شورای اسلامی و تأکید و اصرار آن بر ضرورتها، نیازها و حفظ مصالح جامعه جریان قانونگذاری را از مسیر عادی خارج می ساخت و عملاً با عدم تأیید مصوبه از سوی شورای نگهبان از نقش مؤثر و کارساز آن در رفع نیازها و احتیاجات جامعه جلوگیری به عمل می آمد. با تثبیت و رسمیت یافتن نظام سیاسی - حقوق منبعث از انقلاب اسلامی و استقرار نهادهای حقوق هم پیوند با آن، معضل تحقق آرمان های اجتماعی و اقتصادی موعود به عنوان یکی از عرصه های بحران انقلاب پدیدار می شد. رویارویی شریعت به نیازهای گروه های نوحاسته جامعه ایران به تدریج خود را در نظام حقوقی - سیاسی پدیدار ساخت. به چالش فراخواندن شریعت توسط نیازهای گروه های نوحاسته ایران سبب گردید تا پاسخ های جدیدی برای این مسائل جستجو شود؛ زیرا فشار قدرتمند گروه های اجتماعی قوی که خیل نیروهای انقلابی را در خود جای داده بود و در آرمان های انقلاب جای مهمی رایافته بودند، موجب می گردید تا نتوان در پاسخ به نیازهای آنان خاموش ماند. نهاد مجلس و شورای نگهبان عرصه ی این رویارویی قرار گرفت و مشکلات و معضلات پنهان پاسخگویی به مصالح و نیازهای گوناگون مردم را آشکار ساخت؛ علاوه بر مسئله مزبور جنگ مزید بر علت شد.

۲-۱) طرح مسأله

ترکیب و تحقق دو عنصر اسلامیت و جمهوریت در قالب قوانین اجرایی از اصلی ترین ویژگی های نظام جمهوری اسلامی به شمار می آید. جمهوری اسلامی به عنوان نظامی که تلاش می کند میان شریعت و قانون تلفیق ایجاد نماید در مراحل اولیه شکل گیری خود و به خصوص در مسائل انضمامی جامعه دچار نوعی بحران تصمیم گیری گردید. برجسته ترین نمود این بحران

خود را در اختلافات میان دو نهاد مجلس و شورای نگهبان نشان می داد. مجلس به عنوان نهادی که متکفل حل مسائل روزمره جامعه بود، به ناگزیر در موضع پاسخگویی به این مسائل قرار داشت و شورای نگهبان به عنوان داور نهایی مشروعیت تصمیمات و قانونگذاری های مجلس، نگاه خود را بیشتر معطوف به حفظ شریعت قرار می داد. چاره اندیشی های حضرت امام خمینی (ره) در حل این مشکلات با وجود تأکید بر مقتضیات زمانی و مکانی توسط روحانیون نیز نتوانست گرهی از کار باز کند. فشار روزافزون مسائل جدید پیش روی نظام نوین جمهوری اسلامی و ضرورت کارآمدی حکومت دینی در ایران موجب گردید تا نهادی جدید تأسیس شود که برگرفته از اندیشه های حضرت امام (ره) و در بستر تعالم دینی بود. در پاسخ به حل مشکلات و ارائه راه حل جهت خروج از بحران ها، میان جریان های مختلف سیاسی اصطکاک و درگیری وجود داشت و در این میان هریک برداشت های خاصی از فقه در پاسخ به مسائل مبتلا به جامعه صورت می دادند. این درگیری ها و مناقشات منجر به بن بست سیاسی گردید و اداره جامعه با مشکل روبرو گردید. با بروز این مشکلات، برای حل و رفع معضلات و بن بست شکنی در تصمیمات، حضرت امام (ره) با طرح بحث مصلحت و حکم حکومتی از نظریه ولایت فقیه به سمت نظریه ولایت مطلقه فقیه سوق پیدا کردند. در واقع بارزترین نمود نظریه ولایت مطلقه فقیه، تولد نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام است. باید اذعان داشت که از دل درگیری ها و مناقشات سیاسی و در ارتباط با وضعیت سیاسی- اجتماعی نظریه ولایت مطلقه فقیه مطرح شد. مجمع تشخیص مصلحت نظام دارای دو وجه شرعی و نهادی است و می توان گفت مجمع تشخیص مصلحت نظام اوج تلفیق شرع و نهاد است. امام خمینی در راستای تشریح نظریه ولایت مطلقه فقیه به عنصر مهم «مصلحت» اشاره داشته اند.

۳-۱) اهمیت و ضرورت موضوع

جامعه ایران یک جامعه دینی و مذهبی است و لذا ساختار حکومتی خاصی دارد و هرگونه تجزیه و تحلیل در موارد سیاسی و حقوقی باید با توجه به زمینه دینی و مذهب باشد که اگر نسبت به این موضوع حیاتی در جامعه ایران غفلت شود و یا به غرض آلوده شود و یا به واسطه سهو و نسیان نادیده انگاشته شود، به یقین آن تجزیه و تحلیل ناتمام خواهد ماند. از سوی دیگر نهادهایی که با توجه به نیازهای یک جامعه پدیدار می شوند، الزاماً باید برآمده از فرهنگ و عرف و ارزش های جامعه باشند تا ماندگار گردد و در صورت عدم انطباق با نیازهای جامعه و فرهنگ حاکم بر اجتماع، کارآیی لازم را نخواهند داشت. موضوع مورد بحث یک نهاد عالی سیاسی- حقوقی و

فقهی به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام است که در قانون اساسی نیز به آن اشاره شده است و به نظر ضروری است که مبنای پدیداری این نهاد از نظر سیاسی مورد کنکاش قرار گیرد؛ از سوی دیگر علاقه نگارنده به مسائل دهه ۶۰ جمهوری اسلامی باعث روی آوردن به کالبد شکافی اصطکاک های سیاسی در این دهه شده است. باید اذعان داشت ریشه بسیاری از صف بندی ها و موضع گیری های امروزی در جامعه ایران برگرفته از همان منازعات سیاسی در دهه ۶۰ می باشد.

۱-۴) سئوالات اصلی و فرعی و فرضیه پژوهش

- ۱-۴-۱) سوال اصلی: مهمترین عامل شکل گیری مجمع تشخیص مصلحت نظام چیست؟
 ۱-۴-۲) سوال فرعی: ورود مفهوم مصلحت به تفکر سیاسی شیعه و اندراج آن در نظریه ولایت مطلقه فقیه حاصل چه رویدادهایی است؟
 ۱-۴-۳) فرضیه: بن بست های سیاسی که تبلور خود را در اختلافات میان دو نهاد مجلس و شورای نگهبان نشان می داد، نظام جمهوری اسلامی را دچار نوعی معضلات تئوریک و عملی گرداند. در جستجوی راه حلی جهت رفع معضلات تئوریک و عملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام تاسیس گردید.

۱-۵) متغیرهای پژوهش

- ۱-۵-۱) متغیر مستقل (x): خروج از بن بست سیاسی (حل معضلات تئوریک و عملی جمهوری اسلامی).
 ۱-۵-۲) متغیر وابسته (y): تشکیل نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۱-۶) تعاریف اصطلاحات پژوهش

مصلحت: مصلحت از جمله مفاهیم پر مناقشه ای است که می توان آن را از ابعاد گوناگون مورد بحث و گفت و گو قرار دارد، لذا ارائه یک تعریف واحد از آن قدری مشکل می نماید. از جمله این تعاریف می توان به این موارد اشاره کرد: ۱- مصلحت در لغت به معنای منفعت و در مقابل مفسده به معنای مضرت و زیان آمده است. در این صورت، مصلحت به معنای مناسب، مقتضی، در خور و شایسته، آنچه صلاح شخص و یا جمعی در آن باشد، است.^۱ ۲- منفعتی که

۱- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵). لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.

شارع حکیم آن را برای بندگانش در نظر گرفته است و به ترتیب مشخصی شامل حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال آنان می شود.^۱

حکم حکومتی: عبارت است از فرمان ها و دستورالعمل های جزئی، وضع قوانین و مقررات کلی و دستور اجرای احکام شرعی که از سوی رهبری مشروع جامعه با توجه به حق رهبری و با لحاظ مصلحت جامعه در حوزه مسائل اجتماعی صادر می گردد. در حقیقت از احکام حکومتی به عنوان ابزاری برای ربط «متغیر» به «ثابت» بهره گرفته اند.^۲

ولایت مطلقه فقیه: عبارت است از جواز صدور حکم حکومتی بر اساس مصلحت جامعه

اسلامی.^۳

۷-۱) پیشینه تحقیق

متأسفانه اکثر کتاب ها و پایان نامه های موجود در رابطه با مجمع تشخیص مصلحت نظام از منظر حقوقی و فقهی به تحلیل این نهاد پرداخته اند. لذا محقق تا آنجا که بررسی کرده، هیچ منبع مستقیمی که به بررسی و موشکافی سیاسی آن نهاد پرداخته شده باشد، مشاهده نکرده است، ولی ذکر یک نکته ضروری است که ممکن است اشاراتی هر چند کوتاه در بعضی از متونی که از بعد حقوقی و فقهی به این مسئله نگریسته اند مشاهده گردد. از این رو در ادامه به پیشینه تحقیقاتی که عمدتاً از منظر حقوقی و یا فقهی به بررسی نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام پرداخته اند، اشاره می شود.

فقیه (۱۳۸۱) در کتابی با عنوان «بررسی تحلیلی وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام» به بررسی سابقه تاریخی شکل گیری مجمع و سازمان و تشکیلات و وظایف و مسئولیت ها و وظایف متناظر مجمع در قوانین برخی کشورها با استفاده از روش مقایسه ای پرداخته است. ارسطو (۱۳۸۹) در کتابی با عنوان «تشخیص مصلحت نظام از دیدگاه فقهی - حقوقی» به بررسی جایگاه نهاد مجمع در قانون اساسی جمهوری اسلامی، سیر تاریخی طرح مصلحت در جمهوری اسلامی و بحث شکل گیری مجمع در جمهوری اسلامی و تشخیص مصلحت در فقه اسلامی، فقه

۱- البوطی، محمد سعید رمضان. مصلحت و شریعت (مبانی، ضوابط و جایگاه مصلحت در اسلام)، ترجمه اصغر افتخاری (۱۳۸۴). چاپ اول، تهران: گام نو، ص ۱۹.

۲- صرامی، سیف الله (۱۳۸۰). احکام حکومتی و مصلحت، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ص ۱۵۹.

۳- کدیور، محسن (۱۳۷۹). دغدغه های حکومت دینی، چاپ اول، تهران: نی، ص ۶۹۸.

اهل سنت و فقه امامیه پرداخته است. شریعتی (۱۳۸۰) در کتابی با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام» به نظریه مصلحت در اندیشه امامیه و مقایسه آن با اندیشه اهل سنت، وظایف مجمع تشخیص مصلحت و رابطه آن با سایر نهادهای عالی حکومت، قلمرو فقهی و حقوقی مصوبات مجمع تشخیص مصلحت پرداخته است. خسروپناه (۱۳۸۹) در کتابی با عنوان «گفتمان مصلحت» به بررسی جایگاه مصلحت در نظام های حکومتی بویژه حکومت اسلامی پرداخته است. حسن نژاد (۱۳۷۵) در تحقیقی با عنوان «نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی کلیاتی در باب نظارت بر مصوبات قوه مقننه و تشکیلات و صلاحیت های مجمع تشخیص مصلحت نظام و مبانی حقوقی و فقهی مصلحت و تبارشناسی آن پرداخته است.

جیریایی (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان «بررسی افزایش نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام و تأثیر آن در سیاستگذاری های کشور» به بررسی علل و چگونگی تشکیل مجمع و نقش آن در سیاستگذاری های کشور در دوره اصلاحات پرداخته است. حقیقت (۱۳۸۴) در مقاله ای با عنوان «تحدید مصلحت» به بررسی فقهی و تبارشناسی مصلحت در فقه سیاسی شیعه و اهل سنت و معیارهای مصلحت و مرجع تشخیص مصلحت پرداخته است. میراحمدی زاده (۱۳۸۴) در مقاله ای با عنوان «مصلحت و عرفی شدن حقوق» به بررسی مصلحت و تبعیت احکام از مصالح و مفاسد و بررسی مصلحت عمومی و منافع عمومی پرداخته است. یزدانی مقدم (۱۳۸۴) در مقاله ای با عنوان «ادراکات اعتباری: مصلحت و سکولاریزاسیون» به بررسی موضوع مصلحت و از ادراکات اعتباری به عنوان چارچوبی برای ورود به بحث مصلحت استفاده کرده و در نهایت سکولاریزاسیون را به عنوان یک پیامد احتمالی «مصلحت» بررسی و تحلیل کرده است.

۸-۱) روش تحقیق

در این تحقیق با استفاده از روش نونهادگرایی به تبیین موضوع پرداخته شده است. اولین و بنیادی ترین پرسش درباره رویکرد نونهادی چگونگی تعریف آن از یک نهاد خواهد بود. لغت «نهاد» به شکل بی در و پیکری در علوم سیاسی استفاده می شود و به معنی هر چیزی از یک ساختار رسمی همچون پارلمان گرفته تا مفاهیم بی شکلی چون طبقه اجتماعی و نیز به دیگر اجزای کلی سیاسی - اجتماعی همچون قانون و بازارها نیز اطلاق می شود. از این لغت در جامعه شناسی نیز تا حدودی به شکل بی در و پیکر استفاده می شود و به نظر می رسد معنای آن چیزی شبیه به سازمان باشد. اصلی ترین سؤال در ملاحظه تحلیل نهادی این است که در رویکردهای

مختلف نهادگرایی چه چیز یک نهاد را می‌سازد؟ زمانی که دریافتیم یک نهاد چیست، باید بپرسیم چگونه بوجود می‌آید. نهادها بطور خودکار به این خاطر که به آن‌ها نیاز است پدیدار نمی‌شوند، بلکه باید ایجاد شوند. در این رویکرد با سؤال‌های متعددی روبرو هستیم که رویکرد نظریه نونهادگرایی را به شکل‌گیری یک نهاد نشان می‌دهد و با سؤالاتی از این قبیل که؛ چه چیزی یک نهاد را می‌سازد؟ نهادها چگونه شکل می‌گیرند؟ نهادها چگونه تغییر می‌کنند؟ افراد و نهادها چگونه تعامل می‌کنند؟ مواجهه هستیم.

فصل دوم

روش شناسی

۲-۱) رهیافت نهادی در علوم سیاسی

اندیشه سیاسی از دوران باستان - زمانی که هنوز زیر مجموعه فلسفه بود - با محوریت مطالعه نهادها به تحلیل زندگی سیاسی اقدام می‌کرد. از این روست که شماری از محققان، رشته علوم سیاسی را در مطالعه نهادها می‌دانند. پرسشهای فلاسفه سیاسی اولیه به طبیعت نهادهای حاکم معطوف می‌شد؛ زیرا آنان بر این فکر بودند که این نهادها، رفتار حکومت کنندگان و حکومت شوندگان را تعیین می‌کنند. آنها آغاز علوم سیاسی را از طریق تحلیل نظام‌مند نهادها و تاثیرشان بر جامعه شکل دادند.^۱ به عنوان مثال ویژگی کارهای ارسطو مطالعه دقیق سازمانها، نهادها و قوانین اساسی بود.^۲ او از طریق مقایسه قوانین اساسی یونان باستان، شیوه زندگی مردم، توزیع ثروت، مسایل تعلیم و تربیت، اعتقادات مذهبی و سازمانهای سیاسی را بررسی کرد.^۳ اگر بتوان موضوعی را به عنوان موضوع مطالعه انحصاری علوم سیاسی معرفی کرد، آن را از رشته‌های روانشناسی، اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی متمایز کرد، همان ساختار سیاسی رسمی قانونی است. این موضوع مطالعه‌ای است که نیاز به کسب ابزارهای نظری از سایر رشته‌ها ندارد و می‌تواند گواه موجودیت مستقل علوم سیاسی باشد. از اواسط قرن بیستم هنوز به مطالعه قوانین اساسی کشورها و نهادهای رسمی اکتفا می‌شد. بدین ترتیب این رشته به معدود کشورهای غربی دارای قانون اساسی محدود می‌گشت. پایان جنگ جهانی دوم سبب ظهور دولتهای جدید شد. اینک دیگر توجه صرف به قوانین اساسی کشورها به هیچ وجه گویای کارکردهای واقعی نظامهای سیاسی نبود.^۴ این عوامل در کنار رخداد «انقلاب رفتاری» در علوم اجتماعی، زمینه عبور از روش کلاسیک مطالعات سیاسی و رهیافت‌های نهادی را فراهم می‌آورد. علوم سیاسی به دنبال نظریه‌ای جامع و تعمیم پذیر بود که بتواند متغیرهای عمده سیاسی و روابطشان را با یکدیگر پوشش دهند. بدین ترتیب رهیافت نهادی به علت تاکید بیش از اندازه بر جنبه‌های قانونی و رسمی، گریز از نظریه و توصیف غیر

^۱ - لک زایی؛ شریف (۱۳۸۳). نظریه نهادی در علوم سیاسی، شماره ۲۸، صص ۳۱۸ - ۳۱۷

در نقد و معرفی کتاب زیر:

B. Guy Peters, *institutional Theory In Political Science The New Institutionalism*, London and New York: Continuum, 1999.

^۲ - عالم؛ عبدالرحمان (۱۳۸۲). تاریخ فلسفه سیاسی غرب از آغاز تا پایان سده‌های میانه، تهران، وزارت امور خارجه، چاپ چهارم، صص ۲۱۹.

^۳ - قوام؛ عبدالعلی (۱۳۸۰). سیاستهای مقایسه‌ای، انتشارات سمت، چاپ چهارم، صص ۲.

^۴ - قوام، پیشین، صص ۹ - ۲.

سیستماتیک پدیده‌ها، تکیه صرف بر حقوق و تاریخ و نادیده گرفتن مبانی غیر سیاسی نهادهای حکومتی، مورد انتقاد قرار گرفت و کنار گذاشته شد.

۲-۲) ویژگیهای معرف^۱ نهادگرایی قدیم

نهادگرایی قدیم مکتبی بود که پایه‌های اصلی علوم سیاسی را در بخش اعظم قرن نوزده و نیمه نخست قرن بیست تشکیل داد. با وجود فقدان روش شناسی مدون و گریز از نظریه‌ای خاص، این مکتب در پس پشت تحقیقات و مطالعات آن دوره حضوری کلیشه‌ای داشت به طوری که تا پیش از سال ۱۹۱۴ بررسی نظام‌های سیاسی بدون مطالعه نظام‌های قانونی امری غیر قابل تصور بود.^۲ گای پیترز پنج شاخصه زیر را در آثار دانشمندان نهادگرا مشاهده کرده است:

۱-۲-۲) قانون‌گرایی^۳

نخستین ویژگی که نهادگرایی قدیم را مشخص می‌کند، توجه به قانون و نقش مرکزی قانون در حکومت است. قانون هم چارچوبی برای خود بخش عمومی فراهم می‌آورد و هم مجرای مهم برای حکومت است که از طریق آن می‌تواند بر رفتار شهروندانش تأثیر گذارد بنابراین مرتبط بودن با نهادهای سیاسی به معنای مرتبط بودن با قانون بوده و هست. بنابراین برای شناخت نهادهای سیاسی توجه به قانون ضروری است. مطالعه قانون به عنوان اساسی برای دانش سیاسی، در دولت پروس و بعدها در آلمان به اوج رسید.

۲-۲-۲) ساختارگرایی^۴

دومین فرض عمده در نهادگرایی قدیم آن بود که ساختار مهم است و در حقیقت این ساختار است که رفتار را تأیید می‌کند. این یکی از نکات بنیادین در برابر رفتارگرایانی بود که در تلاش‌های خود به منظور اصلاحات در این رشته قدم بر می‌داشتند. رویکرد ساختارگرایان، شاید بجز در مورد افراد استثنایی همچون «مردان بزرگ تاریخ» برای دیگر افراد به منظور تأثیرگذاری در روند حوادث درون حکومت، جای اندکی قائل بود. از اینرو، اگر یک تحلیلگر می‌توانست جنبه

1 - Defining characteristic

۲ - دیوید مارس و جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی (۱۳۸۴)، چاپ دوم، تهران: انتشارات

پژوهشکده راهبردی، صص ۸۵ - ۸۳

3 - Legalism

4 - Structuralism